

شناسایی تأثیر سیاست‌های کارآفرینی بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای

دانش‌بنیان حوزه فاوا

فصلنامه علمی - پژوهشی

مدیریت

اطلاعات

دوره 2، شماره 3 و 4

تابستان و پاییز 95

علی داوری

عضو هیات علمی دانشگاه تهران¹

توانه فرخ منش

کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی دانشگاه تهران

چکیده: اگر چه فعالیت‌های کارآفرینانه بوسیله نگرش‌ها یا انگیزه‌های فرد، مهارت‌ها و ویژگی‌های روانشناختی ایجاد می‌شوند؛ اما فعالیت کارآفرینانه در حلال شکل نمی‌گیرد و بوسیله عوامل نهادی، دولت، محیط کسب‌وکار و شرایط اقتصاد کلان تحت تأثیر قرار می‌گیرند. لذا دولت‌ها به دنبال اجرای سیاست‌های کارآفرینی در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات یا فاوا هستند. این پژوهش با هدف شناسایی تأثیر سیاست‌های کارآفرینی بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) اجرا شده است. سیاست‌های منتخب شامل تدوین استراتژی ملی کارآفرینی، اصلاح و بهبود قوانین، ارتقای آموزش و مهارت‌های کارآفرینی، دسترسی به منابع مالی، حمایت از فناوری و نوآوری و ارتقای شبکه‌سازی و اطلاع‌رسانی بر اساس مدل آنکتاد است. این تحقیق توصیفی-همبستگی است. پرسشنامه پژوهش بین کارشناسان و مدیران وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و سازمان‌های تابعه مرتبط با حوزه‌های سیاست‌گذاری و توسعه کسب‌وکارهای دانش بنیان فاوا توزیع و جمع‌آوری شده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه فرضیات تحقیق مورد پذیرش قرار گرفتند.

کلید واژه‌ها: فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا)، راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار، سیاست کارآفرینی

¹ali_davari@t.ac.ir

مقدمه

اگر چه فعالیت‌های کارآفرینانه از سطح فردی سرچشمه می‌گیرند و به وسیله نگرش‌ها یا انگیزه‌های فرد، مهارت‌ها و ویژگی‌های روانشناختی فرد تحت تأثیر قرار می‌گیرند، ولی فعالیت کارآفرینانه در خلاء شکل نمی‌گیرد و بوسیله عوامل زمینه‌ای² و بستر محیطی تحت تأثیر قرار می‌گیرد (Jain, 2011). به بیان دیگر، فعالیت‌های کارآفرینانه به وسیله عوامل فرهنگی، نهادی، دولت، محیط کسب‌وکار و شرایط اقتصاد کلان محدود و یا بیشتر می‌شوند (UNCTAD, 2015). در واقع عوامل محیطی بسترساز فرصت‌های کارآفرینانه هستند. بر اساس تحقیقات اخیر توسعه منطقه‌ای، مدل‌های سیاستگذاری کارآفرینی می‌بایست مبتنی بر ویژگی‌های فضایی یا منطقه‌ای و کشور خودشان تعبیه شوند (Asheim et al., 2011). ویژگی‌های محیطی بر تصمیم‌گیری کارآفرینان برای راه‌اندازی یا توسعه کسب‌وکار و احتمال موفقیت کسب‌وکار تأثیر دارند. (Butler, Garg, & Stephens, 2015)

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی اروپا³، کارآفرینان را بعنوان عاملان ریسک‌پذیر تغییر و رشد در یک اقتصاد تعریف می‌کند که موجب تسریع تولید، انتشار و کاربرد ایده‌های نوآورانه و سودآور می‌شوند. بنابراین توسعه این مفهوم، می‌تواند موجب افزایش ثروت ملی و منتفع شدن مصرف‌کنندگان از طریق عرضه محصولات جدید با قیمت کمتر در بازار شده و در نهایت موجب ایجاد کارایی اقتصاد کلان شوند (UNECE, 2008). در بسیاری از کشورها کارآفرینی مفهومی است که نشان دهنده عناصر حیاتی رشد اقتصادی است. تأثیر فعالیت‌های کارآفرینانه در تمامی بخش‌ها و سطوح جامعه همچون نوآوری، رقابت، بهره‌وری، خلق ثروت، اشتغال‌زایی قابل مشاهده است. (Kuratko, 2014)

مطالعات نشان می‌دهد یک سوم از تفاوت در نرخ رشد اقتصاد ملی را می‌توان به تفاوت در فعالیت‌های کارآفرینی نسبت داد. (Sobel, 2008). دولت‌ها از نقش کارآفرینی در فرایند شروع و توسعه کسب‌وکار جدید همراه با رقابت‌پذیری اقتصادی، ایجاد شغل، کاهش بیکاری و تحرک اقتصادی و اجتماعی آگاهی دارند (OECD, 2015). لذا کارآفرینی در بسیاری از کشورها، محور اصلی سیاست‌های اقتصادی و به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های سیاست صنعتی نوین مورد توجه قرار گرفته است (Hölzl, 2010). در اروپا، کارآفرینی به عنوان یکی از مهمترین موضوعات در سیاست عمومی و در راستای ارتقای رشد و اشتغال‌زایی مطرح است. (Lundstrom and Stevenson, 2007; Autio and Holzl, 2008)

²Context

³OECD

یکی از محورهای نوین توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها، فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) است که تأثیرات قابل توجهی بر عملکرد اقتصادی کشورها دارد. فاوا موجب افزایش بسیار زیاد نرخ پیشرفت تکنولوژیکی، رشد تولید و بهره‌وری می‌شود. این خصوصیات می‌تواند نشان‌دهنده سهم فراوان بخش فاوا بر اشتغال‌زایی و کارآفرینی و همچنین در نهایت توسعه اقتصادی است (ITU, 2015). بخش فاوا به طور مستقیم در رشد تولید، اشتغال، بهره‌وری، و به طور غیرمستقیم به عنوان منبع تحول اجتماعی بر سایر بخش‌های اقتصاد تأثیر دارد. با این وجود ضریب نفوذ اینترنت در کشورهای کمتر توسعه‌یافته هم اکنون به سطح دسترسی به آن در کشورهای توسعه‌یافته در سال 1998 رسیده و این امر نشانگر عمق شکاف دیجیتال در جهان است. (ITU, 2016)

بر اساس گزارش اخیر اتحادیه بین‌المللی مخابرات در سال 2016، در میان 175 کشور، ایران از نظر شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات رتبه 89 را کسب کرده است (ITU, 2016). رتبه سال‌های قبل ایران هم تقریباً مشابه است. لذا در کشور ما در چند سال اخیر توجه خاصی به این بخش شده تا فاصله‌ها با کشورهای پیشرفته کمتر شود. در برنامه چهارم و پنجم توسعه، به توسعه حوزه فاوا توجه ویژه شده است. اجرای طرح‌های نماتن (طرح نظام مهندسی و استانداردهای تولید و توسعه نرم‌افزار)، تسما (طرح توسعه ساماندهی محتوی الکترونیکی)، افتا (امنیت فضای تبادل اطلاعات)، اینترنت ملی و از همه مهمتر نگفا (طرح توسعه و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور) حاکی از اهتمام جدی کشور برای توسعه فناوری اطلاعات است. با توجه به مشکلات کشور در سال‌های اخیر از جمله افزایش نرخ بیکاری در بین افراد تحصیل‌کرده، ضروری است تا به صنعت فناوری اطلاعات که توان اشتغال‌زایی و کارآفرینی بالایی دارد توجه ویژه‌ای شود.

بخش فاوا از سویی در توسعه کشور نقش دارد و از سویی دیگر کارآفرینی می‌تواند نقش کلیدی در توسعه بخش فاوا ایفا کند. لذا پژوهش حاضر با هدف شناسایی تأثیر سیاست‌های کارآفرینی بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای دانش بنیان حوزه فاوا است. این موضوع از آن جهت ضروری به نظر می‌رسد که موانعی که برای رقابت مؤثر بخش خصوصی و کارآفرینان در این بخش وجود دارد توسعه کارآفرینی در این حوزه را کند می‌سازد. از این رو تمرکز اصلی این پژوهش بر شناسایی سیاست‌های کارآفرینی مؤثر بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در حوزه فاوا خواهد بود.

ادبیات تحقیق

بانک جهانی کارآفرینی را فعالیت افراد یا گروه‌ها برای ایجاد یک بنگاه اقتصادی در بخش رسمی و تحت قوانین کسب‌وکار تعریف می‌کند (Klapper, 2010). نتیجه شکل‌گیری کارآفرینی در سطح کلان، تأسیس شرکت‌ها و توسعه کسب‌وکارها است که پیامد نهایی آن توسعه اقتصادی، کاهش فقر و افزایش

ثروت است (OECD, 2016). بر اساس گزارش دیده‌بان جهانی کارآفرینی⁴ (2015)، توسعه کارآفرینی بر پایه بسترهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شکل می‌گیرد و خروجی فعالیت‌های کارآفرینانه ابتدا در قالب ارزش افزوده یا ایجاد اشتغال بوده و سپس منجر به پیامدهای اجتماعی و توسعه اقتصادی می‌شود (GEM, 2016). بسیاری از دولت‌ها بر این اساس می‌کوشند تا به شکلی کارآفرینی را از طرق حمایتی مختلف گسترش دهند.

در دهه‌های اخیر شاهد موجی از فعالیت‌های مرتبط با سیاست‌گذاری بوده‌ایم که هدف آنها تشویق خلق و راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید بوده است. از میان این گونه فعالیت‌ها می‌توان انکوباتورهای کسب‌وکار جدید، برنامه‌های رفع موانع قانونی و برنامه‌های تبدیل افراد فاقد شغل به کارآفرین را نام برد. (Autio, Rannikko, 2016) & سیاست‌گذاری کارآفرینی با هدف کمک به افرادی است که علاقمند به شروع کسب‌وکار هستند و یا در آغاز فرایند کارآفرینی هستند و در مرحله سه سال نخست قرار دارند (Lundstrom and et al., 2014). سیاست‌گذاری کارآفرینی مجموعه اقداماتی مانند کمک‌های مالی و قانونگذاری است که بر انگیزه‌های کارآفرینانه و به تبع آن، بر رفتار کارآفرینان تأثیرگذار است (Parker, 2009). سیاست‌گذاری کارآفرینی بر حمایت مستقیم و غیرمستقیم دولت بر افزایش شرکت‌های کارآفرین از طریق کاهش موانع ورود و خروج است تا شرکت‌های بیشتری موفق شوند و فرصت‌های شغلی جدید ایجاد کنند. (Autio, Heikki, 2016)

سیاست‌های کارآفرینی در نهایت منجر به خوداشتغالی و راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارها می‌گردد. سیاست خوداشتغالی به افزایش تعداد افرادی که برای خودشان کار کرده و و حقوق بگیر نیستند، منجر می‌گردد. راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار بر اقدامات سیاست‌گذاری در مراحل قبل و پس از شروع با هدف ارتقای انگیزه‌ها، فرصت‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه تأکید دارند (Hözl, 2010). مقایسه تطبیقی سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد ابعاد سیاست‌های توسعه کارآفرینی را می‌توان در 6 گروه دسته‌بندی کرد:

1. ترویج کارآفرینی با هدف ارتقای نگرش مثبت نسبت به کارآفرینی؛
2. آموزش کارآفرینی در سیستم آموزشی با هدف افزایش تأکید بر کارآفرینی در سیستم آموزشی؛
3. بهبود محیط شرکت‌های نوپا، تسهیل ورود، بقاء و رشد شرکت‌ها، کمک به ورود، بقاء و رشد و خروج آسان با کاهش الزامات اداری و نظارتی؛
4. تأمین سرمایه اولیه و راه‌اندازی با هدف افزایش تأمین مالی کارآفرینان جدید و شرکت‌های نوپا؛

⁴Global Entrepreneurship Monitor

5. پشتیبانی از کسب‌وکار شرکت‌های نوپا، افزایش کمیت و کیفیت حمایت از کسب‌وکارها برای کارآفرینان در حال ظهور و جدید؛

6. استراتژی‌های توجه به گروه هدف با افزایش نرخ راه‌اندازی کسب‌وکار بین گروه‌های جامعه کمتر مورد توجه (جوانان و زنان) و یا برای افزایش تعداد کارآفرینان نوآور. (Lundstrom and Stevenson, 2005)

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، سیاست‌های توسعه کارآفرینی را شامل بهبود قوانین، بهبود نظام بازار، دسترسی به منابع مالی و فرهنگ‌سازی تعریف می‌کند که نتیجه آن افزایش تعداد شرکت‌ها و توسعه آنها و پیامد نهایی هم توسعه اقتصادی است (OECD, 2016). آنکتاد (2005) در مطالعه اولیه سه حوزه مهم خط‌مشی‌های کارآفرینی را افزایش دسترسی به منابع مالی⁵، تسهیل ورود و خروج شرکت‌ها (تأسیس و انحلال)⁶ و برنامه‌های حمایتی دولت معرفی می‌کند. این حوزه‌های سیاست‌گذاری به مرور توسعه یافتند و در سال 2012 شامل 6 سیاست اصلی شامل تدوین استراتژی ملی کارآفرینی⁷، اصلاح و بهبود قوانین⁸، ارتقای آموزش و مهارت‌های کارآفرینی⁹، حمایت از فناوری و نوآوری¹⁰، دسترسی به منابع مالی¹¹ و اطلاع‌رسانی و شبکه‌سازی¹² هستند. (UNCTAD, 2012)

در چارچوب آنکتاد، ایجاد یکپارچگی بین استراتژی کارآفرینی و سایر برنامه‌های ملی، ارتقای چارچوب نهادی نیز مورد توجه است (UNCTAD, 2015). زیرا علیرغم اجرای برنامه‌های مختلف کارآفرینی، نتایج و پیامدهای توسعه کارآفرینی در کشورها متفاوت است. به عنوان مثال، لینان و فرناندز-سرانو (2014) موفقیت برنامه‌های کارآفرینی را بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا مورد مقایسه قرار دادند. این تحقیق نشان داد علیرغم یکپارچه شدن اتحادیه اروپا، بین عملکرد کارآفرینی این کشورها تفاوت وجود دارد. این تفاوت‌ها در عوامل نهادی (قواعد رسمی و غیررسمی) ریشه دارند (Simónz et al.). در واقع کارآفرینان از جانب محیط نهادی، هم تحت محدودیت قرار دارند و هم تقویت می‌شوند. عوامل

⁵Increasing Access To Finance

⁶Facilitating Entry And Exit

⁷Formulating National Entrepreneurship Strategy

⁸Optimizing the Regulatory Environment

⁹Enhancing Entrepreneurship Education and Skills Development

¹⁰Facilitating Technology Exchange and Innovation

¹¹Improving Access to Finance

¹²Promoting Awareness and Networking

نهادی رسمی، نظیر قوانین و مقررات، بر سطح فعالیت کارآفرینی یک کشور تأثیرگذار هستند (Harbi & Anderson, 2010). بنابراین کشورها تلاش می‌کنند با بکارگیری سیاست‌هایی که بر بهبود محیط کسب‌وکار و عوامل نهادی اثرگذار است، فعالیت‌های کارآفرینانه را ارتقا دهند، تا اشتغال‌زایی بوسیله کسب‌وکارهای کوچک و متوسط افزایش یابد و در نهایت توسعه کارآفرینی به رشد اقتصادی منجر شود. کارآفرینی همچنین می‌تواند به تغییر ساختاری و شکل‌گیری صنایع جدید کمک کند. (UNCTAD, 2015)

سود اقتصادی و رفاه اجتماعی مهم‌ترین هدف سیاست‌های دولت است. بنابراین توجه به نرخ خوداشتغالی و راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارها یا فعالیت‌های کارآفرینانه اهمیت دارد. مباحث سیاستگذاری اغلب به سمت طرفداری از فعالیت‌های کارآفرینانه گرایش دارند. با استناد به یافته‌هایی که از اشتغال‌زایی و نوآوری کارآفرینان حکایت دارند، می‌توان استنباط کرد که توسعه کارآفرینی بهتر از عدم توسعه کارآفرینی است (Parker, 2009). در ادامه، 5 مقاله به عنوان پیشینه تحقیق بررسی شده‌اند.

جدول (1) پیشینه تحقیق

مقاله	نویسنده و سال انتشار	مجله	چکیده تحقیق
1	Peter T. Calcagno Russell S. Sobel, 2014	Small Bus Econ 42:541 559	این مقاله به بررسی تأثیر قوانین بر میزان رشد کسب و کارهای کارآفرین می‌پردازد. هر چه قوانین کارآمدتر باشند، شرکت‌ها رشد می‌کنند و بزرگتر می‌شوند.
2	Donald Bruce & John Deskins 2012	Small Bus Econ 38:375 397	این مقاله به بررسی نقش ساختار مالیاتی بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در سطح ملی و ایالتی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد سیستم مالیاتی ناکارآمد بر شکل‌گیری کسب‌وکارها تأثیر منفی دارد.
3	Zoltán J. Ács, Erkkó Autio, László	Research Policy 43,476 494	معرفی ضرورت‌های ایجاد یک سیستم اندازه‌گیری ملی کارآفرینی. این مقاله مزایای

مقاله	نویسنده و سال انتشار	مجله	چکیده تحقیق
	Szerb, 2014		سیستم پیشنهادی را در سطح ملی را معرفی می‌کند.
4	سیده صدیقه جلال پور؛ کامبیز طالبی؛ سید جمال الدین طیبی، 1395	توسعه کارآفرینی، دوره 9، شماره 2	این مقاله عوامل اثرگذار در سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی بر ارتقای عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان ایران را شامل عوامل نهادی، مالی، بازار، فرهنگی، انسانی، شبکه‌ای، اطلاعاتی، محیطی - اجتماعی، محیطی - جغرافیایی، روابط بین‌المللی و زیرساخت‌های فیزیکی و معیارهای مرتبط با آن در سیاستگذاری کارآفرینی را معرفی کرده است.
5	علی داوری، 1392	چشم انداز مدیریت دولتی شهید بهشتی	ضرورت‌ها و الزامات توسعه کارآفرینی در ایران بررسی شده است. در نهایت مدلی شامل سیاست‌های بهبود فضای کسب و کار، سیاست‌های کارآفرینی و نتایج کارآفرینی ارائه شده است.

چارچوب نظری تحقیق

در طراحی یک مدل سیاستگذاری، عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی را می‌توان در سه سطح بررسی کرد. 1) سطح نهادی شامل عوامل فرهنگی و اجتماعی (2) سطح سیاستگذاری شامل سیاست‌های دولتی، سیاست‌های اقتصادی، یا دسترسی کارآفرینان به حمایت مالی (3) عوامل فردی شامل ابعاد روانشناختی و فردی کارآفرین (Alegre, and etal., 2015). سطح 1 و 2 رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند (سطح نهادی و سیاستگذاری) و قابلیت تفکیک کامل را ندارند. همچنین از منظر اندازه‌گیری نتایج کارآفرینی رویکردهای مختلفی وجود دارد. یکی از این رویکردها سنجش میزان خوداشتغالی و

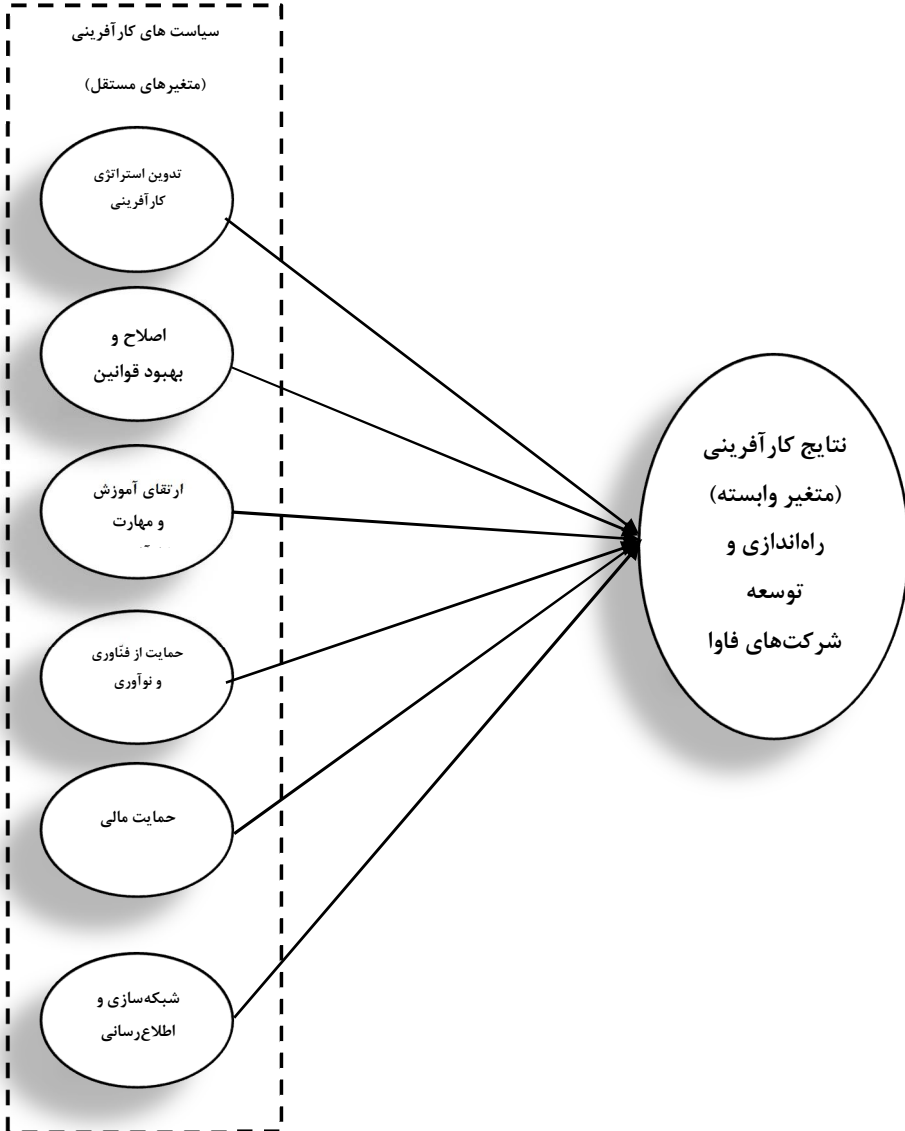
راه‌اندازی کسب‌وکار جدید است. رویکرد دیگر چارچوب محور³ است. در این رویکرد متخصصان سازمان‌های سیاستگذار و کارآفرینان پرسشنامه‌ای را تکمیل می‌کنند. نمونه‌ای از این مقیاس‌ها، مدل GEM یا شاخص سهولت کسب‌وکار بانک جهانی است. (Acs, et al. 2014)

در این تحقیق، بر سطح دوم عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی یعنی سطح سیاستگذاری تأکید می‌شود (البته همانطور که بیان شد سطوح نهادی و سیاستگذاری قابلیت تفکیک کامل را ندارند). همچنین رویکرد چارچوب محور و پرسشنامه استفاده می‌شود. چارچوب مینا در این تحقیق مدل آنکتاد (2015/2014/2012) خواهد بود و از سایر مدل‌ها مانند مدل سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (2016)، الگوی سهولت کسب‌وکار بانک جهانی (2016) و الگوی رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد (2016)، استفاده شده است. دلیل انتخاب مدل آنکتاد به عنوان مدل مینا، جدید بودن نسبی این الگو است. در این الگو به تدوین استراتژی ملی کارآفرینی به عنوان اولین رکن سیاست‌های کارآفرینی است که در سایر الگوها به صورت یک رکن اصلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین رکن شبکه‌سازی و اطلاع‌رسانی نیز در سایر الگوها مستقیماً مدنظر نیست. درحالیکه وجود شبکه‌های کسب‌وکار در سطح داخلی و خارجی در توسعه کسب‌وکارهای کشورها تأثیر ویژه‌ای دارد (مانند تجربه ترکیه).

بعد از اجرای برنامه‌های کارآفرینی، اندازه‌گیری نتایج اهمیت ویژه‌ای دارد. متخصصان شاخص‌های مختلفی برای نتایج فعالیت کارآفرینانه پیشنهاد می‌کنند. برای مثال، برخی از این شاخص‌ها عبارتند از: تعداد شرکت‌های جدید راه‌اندازی شده (UNECE, 2008). همچنین محدوده زمانی اجرای خط مشی کارآفرینی 42 ماه بعد از راه‌اندازی در نظر گرفته می‌شود. زیرا شواهد نشان می‌دهد که شرکت‌های جدید در طول سه تا پنج سال اول کسب‌وکار بسیار آسیب‌پذیر هستند (OECD, 2015). البته برخی منابع بر 36 ماه یا سه سال تأکید دارند (Lundstrom and et al., 2014). در طول این دوره اولیه، بایستی کارآفرینان تا حدود زیادی از مشاوره تخصصی، شبکه‌ها و سایر منابع سود ببرند. همچنین شرکت‌های دانش بنیان و دارای رشد بالا اغلب مسیر رشد را در سال‌های اولیه پیشرفت آغاز می‌کنند و سیاست‌های کارآفرینی بایستی به رفع موانع در همان سال‌های اول کمک کنند (Lundstrom and Stevenson, 2005). با توجه به بحث‌های مطرح شده، به منظور دسته‌بندی نتایج توسعه کارآفرینی در مدل مفهومی این پژوهش، نتایج به (1) راه‌اندازی و تأسیس شرکت‌های کارآفرین و (2) توسعه شرکت‌های جدید در طی 3 سال تقسیم شده‌اند. این متغیرها در واقع همان متغیرهای وابسته

³ Framework measures

تحقیق هستند. در ادامه سیاست‌های مؤثر بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای جدید (متغیرهای مستقل) بر اساس مدل آنکتاد(2012) معرفی شده‌اند.



شکل (1) چارچوب نظری پژوهش

سیاست 1) تدوین استراتژی ملی کارآفرینی: بسیاری از دولت‌ها، رویکردهای گمراه‌کننده‌ای در سیاستگذاری کارآفرینی اتخاذ می‌کنند و سیاست‌های آنها مبهم است (Isenberg, 2010). دولت‌ها بایستی به طور صریح سیاست‌های ملی کارآفرینی را به عنوان یک اولویت مهم مد نظر قرار دهند. ضمناً این استراتژی باید دارای هماهنگی با سایر برنامه‌ها نیز باشد (Stam, 2015). شناسایی چالش‌های کارآفرینی در سطح کشور، تعیین اولویت‌ها، ایجاد یکپارچگی بین استراتژی کارآفرینی و سایر استراتژی‌های ملی، تقویت چارچوب‌های نهادی و اندازه‌گیری کارآفرینی بایستی مورد توجه قرار گیرد (UNCTAD, 2012). بر این اساس فرضیه 1 تحقیق عبارتست از: تدوین استراتژی ملی کارآفرینی در حوزه فاوا بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای فاوا تأثیر مثبت دارد.

سیاست 2) اصلاح و بهبود قوانین: سیاست‌ها، قوانین، دستورالعمل‌هایی را ارائه می‌کند که برنامه‌های حمایتی را برای تشویق کارآفرینان از طریق مزایای مالیاتی یا کاهش در مقررات اداری را ارتقا می‌دهند. عوامل سیاسی و قانونی، بخش کلیدی از محیط اقتصادی و سیاسی هستند که در آن کارآفرینی اتفاق می‌افتد. اصلاح قوانین ممکن است شامل رفع موانع قانونی راه‌اندازی شرکت‌ها، توسعه نظام‌های مالیاتی مؤثر برای اجرای برنامه‌های حمایتی کارآفرینی، یا برنامه‌های رشد باشد. (Mason, and Brown, 2013 & Huggins, ., & Williams, 2011)

منظور از اصلاح و بهبود قوانین، بررسی الزامات مورد نیاز برای راه‌اندازی یا به حداقل رساندن موانع نظارتی برای کسب‌وکارها، هدایت کارآفرینان در طول فرآیند اجرایی است (UNCTAD, 2014 & 2012). در کل اصلاح قوانین می‌تواند شامل کاهش تشریفات و مراحل اداری برای راه‌اندازی یا توسعه کسب‌وکار، قوانین مالیاتی، قوانین تولید، بازار کار و مالیات باشد (OECD, 2016). همچنین اصلاح قوانین می‌تواند در برگیرنده کاهش تعداد مراحل، هزینه‌ها و زمان اجرای فرایندهای ثبت و توسعه کسب‌وکار نیز باشد (Worldbank, 2016). بر این اساس فرضیه 2 تحقیق عبارتست از: اصلاح و بهبود قوانین بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای فاوا تأثیر مثبت دارد.

سیاست 3) ارتقای آموزش و مهارت‌های کارآفرینی: دسترسی به سرمایه انسانی پیش درآمد موفقیت در اقتصاد دانشی پیشرفته است و کارکنان ماهر مؤلفه کلیدی رقابت‌پذیری در کسب‌وکارهای مخاطره‌آمیز جدید است (Qian, Acs and Stough, 2012 & Audretsch, Falck, Feldman, and Hebllich 2011) آموزش کارآفرینی در تغییر الگوی ذهنی افراد مؤثر است (OECD, 2016). لذا آموزش موضوعی کلیدی در توسعه کارآفرینی است. ترویج و آموزش کارآفرینی در دوره‌های تحصیلی رسمی و غیر رسمی، تدوین برنامه‌های آموزشی کارآفرینی مؤثر، آموزش مربیان، فرهنگ‌سازی در سطح جامعه شامل آموزش‌های عمومی، مهارت‌های کارآفرینانه، معرفی مدل‌های نقش و کارآفرینان موفق در

سطح جامعه، تدوین برنامه‌های درسی، آموزش‌های مهارتی کارآفرینی و خود اشتغالی در دوره ابتدایی تا متوسطه، دوره‌های کاربردی کارآفرینی و خود اشتغالی برای دانشجویان دانشگاه‌ها است (UNCTAD, 2014). بر این اساس فرضیه 3 تحقیق عبارتست از: ارتقای آموزش و مهارت‌های کارآفرینی بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای فاوا تأثیر مثبت دارد.

سیاست 4) حمایت از فناوری و نوآوری: منظور از حمایت از فناوری و نوآوری، ایجاد ارتباط بین نهادهای عمومی، مؤسسات تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و بخش خصوصی از طریق اجرای فعالیت‌های مشترک تحقیقاتی، ارتقای مشارکت بخش دولتی-خصوصی و ساختارهای مختلط بخش دولتی-خصوصی در نشر نوآوری، توسعه همکاری دانشگاه و صنعت، حمایت از شرکت‌های با فناوری بالا، ایجاد انکوباتورهای کسب‌وکارهای با فناوری بالا و تأسیس پارک‌های علم و فناوری، تسهیل راه‌اندازی شرکت‌هایی که منجر به تجاری‌سازی نوآوری می‌شوند، حمایت از ثبت اختراعاتها (UNCTAD, 2012 & OECD, 2016) و میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در تحقیق و توسعه، حمایت دولت از محصولات دارای فناوری بالا و پیشرفته است (WEF, 2016). بر این اساس فرضیه 4 تحقیق عبارتست از: حمایت از فناوری و نوآوری بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای فاوا تأثیر مثبت دارد.

سیاست 5) دسترسی به منابع مالی: دسترسی به منابع مالی می‌تواند شامل ارائه وام و تسهیلات از طریق بانک‌ها و صندوق‌های دولتی یا خصوصی و یا ضمانت بانکی برای کارآفرینان، بودجه برای نوآوری، ایجاد ظرفیت بخش مالی برای کمک به کسب‌وکارها باشد (UNCTAD, 2014). وام‌های بانکی رایج‌ترین منبع تأمین مالی برای بسیاری از کارآفرینان است (OECD, 2015). دسترسی به منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های کارآفرینانه ریسکی با افق بلند مدت، بسیار حیاتی است (Stam, 2015). همچنین میزان رعایت عدالت و برابری در کمک‌های مالی آسانی دسترسی به وام سلامتی و عدم فساد بانک‌ها در این زمینه اهمیت زیادی دارد (WEF, 2016). بر این اساس فرضیه 5 تحقیق عبارتست از: دسترسی به منابع مالی بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای فاوا تأثیر مثبت دارد.

سیاست 6) شبکه‌سازی و اطلاع‌رسانی: ایجاد شبکه‌ها به نقل و انتقال اطلاعات و روابط با قابلیت اعتبار و اعتماد بالا منجر می‌شود که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بین طرفین یک گروه برقرار می‌گردد. ارتقای شبکه‌سازی و اطلاع‌رسانی شامل تشویق طرح‌های بخش خصوصی و تقویت ارتباط میان کارآفرینان، اطلاع‌رسانی در زمینه فرصت‌های کارآفرینی است (UNCTAD, 2012). علاوه بر این، شبکه‌ها به یادگیری بین کارآفرینان کمک می‌کند (Lundstrom & Stevenson, 2005). کمک دیگر دولت‌ها، اطلاع‌رسانی به کارآفرینان در زمینه‌هایی مانند برگزاری نمایشگاه‌های خارجی

است. مفهوم شبکه‌سازی محدود به شبکه‌های ملی نیست و می‌تواند به صورت مراکز ارتباطی بین‌المللی¹⁴ در کشورهای هدف و به منظور ایجاد ارتباط و انجام هماهنگی‌های تجاری و صنعتی بین دو کشور است (KOSGEB, 2016). بر این اساس فرضیه 6 تحقیق عبارتست از: شبکه‌سازی و اطلاع‌رسانی بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای فاوا تأثیر مثبت دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر مبنای هدف از نوع کاربردی است و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی-پیمایشی از نوع تحلیل همبستگی است که در آن رابطه میان متغیرها بر اساس هدف تحقیق تحلیل شده است و به طور مشخص مبتنی بر معادلات ساختاری است. برای گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و ادبیات موضوع از منابع کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش میدانی به کمک پرسشنامه استفاده شده است. در پایان برای سنجش و مدل‌سازی روابط میان متغیرها از معادلات ساختاری و Smart PLS استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش شامل کارشناسان و مدیران در سطح وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و سازمان‌های تابعه مرتبط با حوزه‌های سیاست‌گذاری و توسعه کسب‌وکارهای دانش بنیان فاوا بود. حجم نمونه به دلیل عدم امکان برآورد دقیق حجم جامعه با خطای 10% با استفاده از فرمول حجم جامعه نامعلوم 96 نفر محاسبه شد. در ادامه 123 پرسشنامه جمع‌آوری شد و در نهایت 98 پرسشنامه برای تحلیل انتخاب گردید. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه حاوی 40 سوال با طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای استفاده شد. برای حصول اطمینان از روایی محتوایی و ظاهری پرسشنامه، ویرایش اولیه آن مورد بررسی متخصصان و صاحب‌نظران قرار گرفت و با توجه به نظرات و پیشنهادها آن‌ها، اصلاحات لازم بر روی سؤالات انجام شد. برای برازش و آزمودن فرضیه‌ها با استفاده از مدل‌های ساختاری، از روش حداقل مربعات جزئی و نرم‌افزار Smart PLS استفاده شد. این روش بهترین ابزار برای تحلیل تحقیقاتی است که روابط بین متغیرها پیچیده و حجم نمونه اندک باشد. برای تحلیل مدل‌ها در روش معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی، ابتدا باید به بررسی برازش مدل و سپس آزمودن فرضیه‌های پژوهش پرداخت. بررسی برازش مدل در دو بخش برازش مدل‌های اندازه‌گیری و برازش مدل ساختاری انجام می‌شود (داوری و رضازاده، 1394). برای بررسی برازش مدل اندازه‌گیری، از سه معیار پایایی، روایی

¹⁴Business Matching Center

همگرا و روایی واگرا استفاده می‌شود. همچنین برای بررسی فرضیات از تحلیل مسیر استفاده گردید. نتایج پایایی سازه‌های پژوهش در جدول (2) آورده شده است.

جدول (2): نتایج پایایی سازه‌های پژوهش

ضریب پایایی ترکیبی	ضریب آلفای کرونباخ	متغیرهای پژوهش
0/91	0/90	تدوین استراتژی ملی کارآفرینی
0/83	0/71	اصلاح و بهبود قوانین
0/84	0/79	ارتقای آموزش و مهارت‌های کارآفرینی
0/91	0/90	دسترسی به منابع مالی
0/80	0/76	حمایت از فناوری و نوآوری
0/84	0/78	ارتقای شبکه‌سازی و اطلاع‌رسانی
0/91	0/85	راه‌اندازی و یا توسعه کسب‌وکارهای فاوا

همانطور که در جدول (2)، مشخص است همه متغیرها از پایایی بالایی برخوردارند. پایایی ترکیبی و ضریب آلفای کرونباخ همه متغیرها بالاتر از 0/7 است و نشان می‌دهد که ابزار پژوهش حاضر، برازش مناسبی دارد. روایی پرسشنامه توسط دو معیار روایی همگرا و واگرا که مختص مدل‌سازی معادلات ساختاری است بررسی شد. معیار AVE^{15} (میانگین واریانس استخراج شده)، میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود را نشان می‌دهد که هر چه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. مقدار AVE مربوط به سازه‌های پژوهش در جدول (3)، آمده است. در قسمت روایی واگرا، میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌هایش در مقابل همبستگی آن سازه با سایر سازه‌ها مقایسه می‌شود (هالند،¹⁶ 1999). نتایج روایی واگرا نیز در جدول (3)، آمده است.

¹⁵Average Variance Extracted

¹⁶Hulland

جدول (3): نتایج روایی همگرا و روایی واگرایی سازه‌های پژوهش

ارتقای شبکه‌سازی و اطلاع‌رسانی	حمایت از فناوری و نوآوری	دسترسی به منابع مالی	ارتقای آموزش و مهارت‌ها	اصلاح و بهبود قوانین	تدوین استراتژی ملی کارآفرینی	متغیرهای سیاست‌های کارآفرینی
					0/55	تدوین استراتژی ملی کارآفرینی
				0/46	0/43	اصلاح و بهبود قوانین
			0/47	0/42	0/42	ارتقای آموزش و مهارت‌های کارآفرینی
		0/50	0/41	0/32	0/32	دسترسی به منابع مالی
	0/53	0/47	0/31	0/44	0/50	حمایت از فناوری و نوآوری
0/62	0/49	0/45	0/39	0/42	0/39	ارتقای شبکه‌سازی و اطلاع‌رسانی
0/79	0/73	0/71	0/69	0/68	0/74	AVE (روایی همگرا)

با توجه به نتایج جدول (3)، روایی همگرای (AVE) همه سازه‌ها بالاتر از 0/5 است و در نتیجه روایی همگرای مدل و مناسب بودن برازش مدل‌های اندازه‌گیری تأیید می‌شود. همچنین نتایج به دست آمده از روایی واگرایی متغیرهای پژوهش که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، نیز نشان می‌دهد که سازه‌های پژوهش، تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با سازه‌های دیگر و این نشان‌دهنده این است که روایی واگرایی مدل در حد مناسبی است.

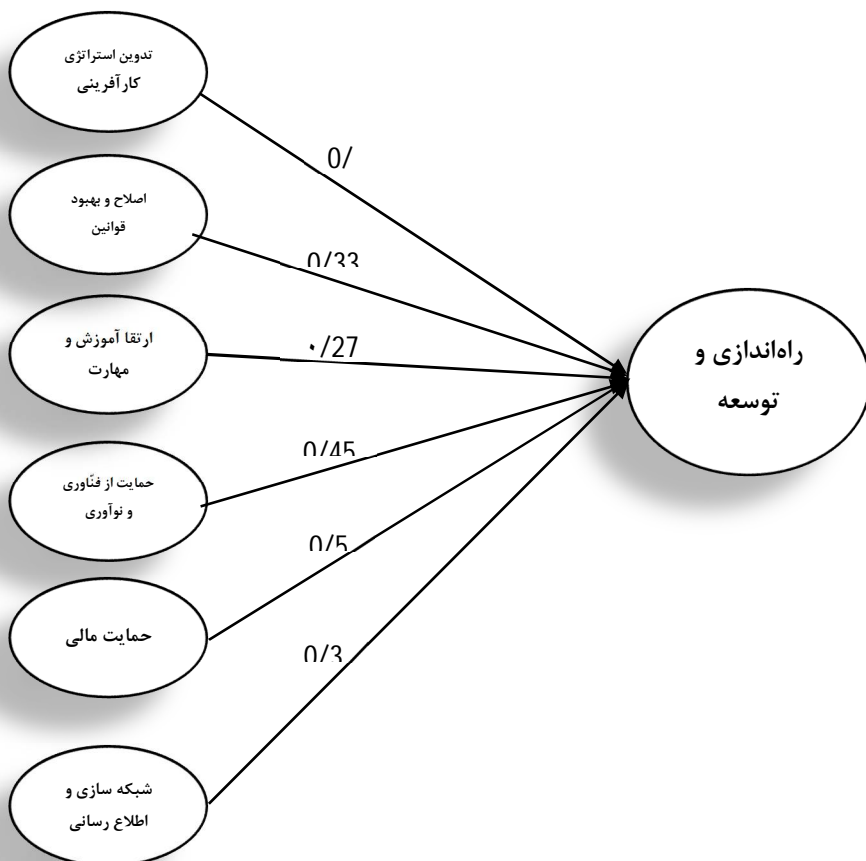
یافته های تحقیق

روابط میان متغیرها با استفاده از مدل ساختاری یا تحلیل مسیر در روش PLS بررسی شد که در دو حالت اعداد معناداری¹⁷ و تخمین استاندارد¹⁸ نتایج درج شد. در ابتدا، برای تأیید فرضیه‌های پژوهش

¹⁷T-values

¹⁸Standardized Estimation

از فرمان Bootstrapping نرم‌افزار Smart PLS استفاده شد که خروجی حاصل ضرایب t را نشان می‌دهد (شکل 2). وقتی مقادیر t در بازهٔ بیشتر از $+1/96$ و کمتر از $-1/96$ باشند، بیانگر معنادار بودن پارامتر مربوطه و متعاقباً تأیید فرضیه‌های پژوهش است. در این پژوهش ضرایب t بین سازه‌های اصلی پژوهش همگی بالای $1/96$ هستند که مبین پذیرش فرضیه‌های پژوهش است.



شکل (2) تحلیل با ضرایب استاندارد شده در سطح اطمینان 95٪

بعد از تخمین استاندارد، با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS 2 رابطه علت و معلولی بین سازه‌های پژوهش سنجیده شد. نتایج اجرای مدل در دو حالت اعداد معناداری و تخمین استاندارد در جدول شماره (4) آمده است.

جدول (4) نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتیجه	آماره t-value	ضرایب استاندارد شده	فرضیه
تأیید	27/50	0/32	تدوین استراتژی ملی کارآفرینی ← راه‌اندازی و یا توسعه کسب‌وکارهای فاوا
تأیید	12/25	0/33	اصلاح و بهبود قوانین ← راه‌اندازی و یا توسعه کسب‌وکارهای فاوا
تأیید	41/16	0/27	ارتقای آموزش و مهارت‌ها ← راه‌اندازی و یا توسعه کسب‌وکارهای فاوا
تأیید	4/73	0/53	دسترسی به منابع مالی ← راه‌اندازی و یا توسعه کسب‌وکارهای فاوا
تأیید	12/46	0/45	حمایت از فناوری و نوآوری ← راه‌اندازی و یا توسعه کسب‌وکارهای فاوا
تأیید	5/50	0/34	ارتقای شبکه‌سازی و اطلاع‌رسانی ← راه‌اندازی و یا توسعه کسب‌وکارهای فاوا

در نهایت، برازش کلی مدل بالا توسط معیار GOF نیز بررسی شد که فرمول آن در زیر آمده است:

$$GoF = \sqrt{com \times R^2} = \sqrt{0/72 \times 0/39} = 0/53$$

به طوری که com نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه بوده و R^2 نیز مقدار میانگین مقادیر R^2 سازه درون‌زای مدل را نشان می‌دهد. وتزلس و همکاران (2009)، سه مقدار 0/01؛ 0/25؛ و 0/36 را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی نموده‌اند. در پژوهش حاضر، حاصل شدن مقدار 0/352 برای GOF با توجه به نزدیک بودن آن به معیار 0/36؛ نشان از برازش کلی قوی مدل پژوهش حاضر دارد (داوری و رضازاده، 1394)

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه با توجه به اهمیت توسعه بخش فاوا در عملکرد اقتصادی، بر توسعه شرکت‌های این بخش سرمایه‌گذاری می‌گردد. بر این اساس، این تحقیق با هدف شناسایی تأثیر سیاست‌های کارآفرینی بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای حوزه فاوا اجرا گردید. به منظور توسعه مدل مفهومی از الگوی آنکتاد به عنوان مدل مبنا و مدل‌های OECD و بانک جهانی و مجمع جهانی اقتصاد استفاده گردید. نتایج تحقیق نشان داد که شش سیاست (1) تدوین استراتژی ملی کارآفرینی، (2) اصلاح و بهبود قوانین، (3) ارتقای آموزش و مهارت‌های کارآفرینی، (4) دسترسی به منابع مالی، (5) حمایت از فناوری و نوآوری،

6) ارتقای شبکه‌سازی و اطلاع‌رسانی بر ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای حوزه فاوا تأثیر مثبت و مستقیم دارند. در ادامه نتایج تحقیق مورد بحث قرار گرفته است.

تدوین استراتژی ملی کارآفرینی: تحلیل داده‌های فرضیه 1 نشان داد تدوین استراتژی ملی کارآفرینی بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار در حوزه فاوا تأثیر دارد (ضریب تبیین 32%). نتایج این فرضیه با دیدگاه استم (2015) انطباق دارد که دولت‌ها بایستی به طور صریح سیاست‌های ملی کارآفرینی را به عنوان یک اولویت مهم در جهت توسعه کسب‌وکارها مد نظر قرار دهند. همچنین آیزنبرگ (2011) نیز بر وجود یک برنامه ملی در توسعه کارآفرینی تأکید دارد. یکی از چالش‌های جدی توسعه کارآفرینی فقدان یک برنامه منسجم و یکپارچه است. در این زمینه توجه ویژه به تعیین اولویت‌ها، ایجاد یکپارچگی بین استراتژی کارآفرینی و سایر استراتژی‌های ملی و تقویت چارچوب‌های نهادی اهمیت ویژه دارد.

اصلاح و بهبود قوانین: تحلیل داده‌های فرضیه 2 نشان داد اصلاح و بهبود قوانین بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار در حوزه فاوا تأثیر دارد (ضریب تبیین 33%). این نتایج با نتایج بانک جهانی در زمینه سهولت کسب‌وکار (2016) شباهت دارد. همچنین موارد بهبود و اصلاح قوانین عبارتند از: ارائه اطلاعات شفاف برای ایجاد کسب‌وکار، تدوین قوانین ورشکستگی کسب‌وکارها، ارائه خدمات مشاوره‌ای فنی به کسب‌وکارهای فاوا در مواجهه با الزامات قانونی، عدم تغییر سریع برنامه‌ها و دستورالعمل‌های حمایتی از کارآفرینان، کاهش زمان فرآیند اخذ مجوزها برای ایجاد کسب‌وکارها، کاهش هزینه اخذ مجوزها برای ایجاد کسب‌وکارها.

ارتقای آموزش و مهارت‌های کارآفرینی: تحلیل داده‌های فرضیه 3 نشان داد ارتقای آموزش و مهارت‌های کارآفرینی بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار در حوزه فاوا تأثیر دارد (ضریب تبیین 27%). به عبارت دیگر چنانچه آموزش‌ها و مهارت‌های کارآفرینی بهبود یابد احتمال ایجاد شرکت‌های کوچک و متوسط در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات افزایش می‌یابد. این یافته توسط مطالعات پیشین تأیید می‌شود. گزارش (OECD, 2016) یکی از سیاست‌های ترویج کارآفرینی، آموزش، مشاوره، ارائه برنامه‌های مدیریتی صاحبان شرکت‌های کوچک و متوسط یا مالکان بالقوه آنها است. تسهیل دسترسی به آموزش‌های کارآفرینی و مشاوره شروع یک کسب‌وکار کوچک در سطح ملی و جامعه، موجب افزایش فرصت‌های یادگیری در فرآیند کارآفرینی و شروع یک کسب‌وکار برای افراد (جهت‌گیری کارآفرینانه و آموزش) است. لذا این نتیجه با دیدگاه لاندستروم (2014) در خصوص نقش آموزش و نیروی کار مناسب در توسعه کارآفرینی همخوانی دارد. (Lundstrom, 2014)

حمایت‌های مالی: تحلیل داده‌های فرضیه 4 نشان داد حمایت‌های مالی بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار در حوزه فاوا تأثیر دارد (ضریب تبیین 53%). با بهبود حمایت‌های مالی احتمال ایجاد شرکت‌های کارآفرین در حوزه فاوا افزایش می‌یابد. یکی از سیاست‌های کارآفرینی تسهیل دسترسی به وام‌های کوچک، سرمایه و سایر منابع برای راه‌اندازی و شروع یک کسب‌وکار است. این نتیجه با دیدگاه‌های بانک جهانی در خصوص ارتقای سیاست مالی برای کمک به شرکت‌های کارآفرین و کوچک و متوسط انطباق دارد (Worldbank, 2015). در این زمینه تأمین مالی از طریق بودجه‌های نوآوری، دسترسی به سرمایه خطرپذیر، تأمین مالی بانکی می‌تواند (Autio and Holzl, 2008) پرداخت وام‌های بلند مدت، نرخ بهره مناسب برای وام‌ها، معافیت از پرداخت سود وام برای چند سال، کاهش و یا معافیت‌های مالی راهگشا باشد.

حمایت از فنآوری و نوآوری: تحلیل داده‌های فرضیه 5 نشان داد حمایت از فنآوری و نوآوری بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار در حوزه فاوا تأثیر دارد (ضریب تبیین 45%) با بهبود انتقال فنآوری و نوآوری احتمال ایجاد شرکت‌های کوچک و متوسط در حوزه فاوا افزایش می‌یابد. این یافته توسط مطالعات پیشین تأیید می‌شود. مجمع جهانی اقتصاد (2016) تأکید دارد انتقال تکنولوژی و نوآوری از ارکان اصلی رقابت‌پذیری کشورها است و دسترسی به تکنولوژی‌های نوین و مدرن، همکاری بین دانشگاه و صنعت / حمایت دولت از محصولات دارای تکنولوژی بالا و پیشرفته / رعایت حق پتنت و اختراعات در این زمینه اهمیت زیادی دارد (WEF, 2016). بایستی توجه داشت که فنآوری‌های جدید از دو جنبه بر نوآوری و در نهایت کارآفرینی تأثیر دارند. اول اینکه، فنآوری‌های جدید می‌توانند به تولید محصولات جدید و یا بهبود کیفیت کالاها بوسیله کارآفرینان منجر شوند. دوم اینکه، فنآوری‌های نوین می‌توانند به بهبود فرایند، کاهش قیمت تمام شده و افزایش رقابت‌پذیری کمک کنند. کارآفرینان منابع محدودی دارند، بنابراین هر چه دسترسی به فنآوری‌های جدید برای آنها تسهیل شود، فرصت‌های بیشتر برای کارآفرینی ایجاد می‌گردد.

ارتقای شبکه‌سازی و اطلاع‌رسانی: تحلیل داده‌های فرضیه 6 نشان داد ارتقای شبکه‌سازی و اطلاع‌رسانی بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار در حوزه فاوا تأثیر دارد (ضریب تبیین 34%). این یافته توسط مطالعات پیشین تأیید می‌شود. یکی از سیاست‌های کارآفرینی، تسهیل ایجاد فعالیت‌ها و تبادلات شبکه‌ای، مشارکت در کنفرانس‌ها، انجمن‌ها و سمینارها است (Lundstorm & Stevenson, 2005) این حیطه می‌تواند شامل ایجاد ارتباطات تجاری بین المللی هم باشد (KOSGEB, 2016). همچنین OECD نیز بر اطلاع‌رسانی تأکید دارد. (OECD, 2016)

در پایان توجه به این نکته ضروری است که سیاست‌گذاری کارآفرینی دارای ابعاد مختلف و پیچیده‌ای است. سیاست‌گذاری فقط قانون‌گذاری نیست، بلکه می‌تواند مقررات‌زدایی و تصویب حداقل قوانین در موارد ضروری باشد. نکته مهم دیگر ثبات قوانین است. یکی از مشکلات کشور ما، تغییرات ناگهانی قوانین است که منجر به افزایش عدم اطمینان و عدم تمایل بخش خصوصی و افراد نوآور برای اجرای ایده‌های جدید است. نکته بعدی، اجرای کارآمد قوانین است که می‌تواند منجر به کاهش اثربخشی گردد. در مجموع بایستی توجه داشت که سیاست‌گذاری کارآفرینی در حوزه فاوا بایستی به افزایش همزمان فرصت‌ها، انگیزه‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه کمک کند در غیر اینصورت، این سیاست‌ها کارآمد نخواهند بود و در نهایت توسعه اقتصادی منجر نمی‌گردند.

فهرست منابع

۱. جلال پور، سیده صدیقه ؛ طالعی، کامبیز و طیبی، سید جمال الدین (1395) ارتقای عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی: شناسایی عوامل اثرگذار در سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی، توسعه کارآفرینی، دوره 9، شماره 2.
۲. داوری، علی. ، رضازاده، آرش. (1394). مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ سوم
۳. داوری، علی (1392) ارائه مدل مفهومی نظام خط مشی گذاری توسعه کارآفرینی، چشم انداز مدیریت دولتی شهید بهشتی

۴. Alegre, Inés; Berbegal Miraben, Jasmina, (2015) "Entrepreneurship and the Influence of History: How Much Impact Do Country-Specific Historical Factors Have on Entrepreneurship Initiatives?". In: Peris-Ortiz, M. & Merigó-Lindahl, J.M.. Entrepreneurship, Regional Development and Culture: An Institutional Perspective. Switzerland: Springer
۵. Asheim, B.T., Boschma, R., & Cooke, P., (2011), Constructing Regional Advantage: Platform Policies, Based on Related Variety and Differentiated, Knowledge Bases, Routledge, Informa Ltd Registered in England and Wales Registered Number: 1072954 Registered office: Mortimer, House, 37-41 , London W1T 3JH, UK

٦. Audretsch, D.B., Falck, O., Feldman, M.P., & Heblich, S. (2011). Local entrepreneurship in context. *Regional Studies*, 46(3), 379–389
٧. Autio E, Hözl W (2008) Addressing challenges for high-growth companies, Europe Innova paper no. 6, European Commission
٨. Butler, J., Garg, R., Stephens, B., (2015), Social Networks, Funding, and Regional Advantages in Technology Entrepreneurship, Social Networks, Funding, and Regional Advantages.
٩. Donald Bruce & John Deskins (2012) Can state tax policies be used to promote entrepreneurial activity? *Small Bus Econ.*, 38:375–397
١٠. Erkko Autio, Heikki Rannikko (2016) Retaining winners: Can policy boost high-growth entrepreneurship? *Research Policy*
١١. Global Entrepreneurship Monitor or GEM (2015) Global Report 2014/2015, ..
١٢. Global Entrepreneurship Monitor or GEM (2016) Global Report 2015/2016, ..
١٣. Harbi, Sana and Anderson, Alistair (2010) Institutions and the shaping of different forms of entrepreneurship, *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, vol. 39, issue 3, pages 436-444
١٤. Hözl W, Reinstaller A (2009) Market structure: sector indicators. In: Peneder M, (Hrsg) Sectoral growth drivers and competitiveness in the European Union. European Communities
١٥. Huggins, R., & Williams, N. (2011). Entrepreneurship and regional competitiveness: The role and progression of policy. *Entrepreneurship & Regional Development*, 23(9-10), 907–932.
١٦. Isenberg D (2011) The entrepreneurship ecosystem strategy as a new paradigm for economic policy: principles for cultivating entrepreneurship. Presentation at the Institute of International and European Affairs, Dublin, 12 May 2011
١٧. International Telecommunication Union or ITU (2016) Measuring the Information Society Report 2016, www.itu.int

۱۸. Jain, Ravindra K.(2011) Entrepreneurial Competencies:A Meta-analysis and Comprehensive Conceptualization for Future Research,The Journal of Business Perspective
۱۹. Klapper, L., Love, I., 2010. The impact of the financial crisis on new firm registration.In: Policy Research Working Papers. World Bank, Washington, DC.
۲۰. KOSGEB (2016)Turkish Entrepreneurship Strategy & Action Plan, www.kosgeb.gov.tr
۲۱. Lundstrom, A and Stevenson, L.A, (2005), "Entrepreneurship Policy: Theory and Practice", Chapter 2 ISEN International studies in Entrepreneurship, Springer, New York,
۲۲. Lundstrom, Anders; Vikström, Peter;Fink, Matthias;Meuleman, Miguel; Głodek, Paweł & Storey, David(2014) Measuring the Costs and Coverage of SME and Entrepreneurship Policy: A Pioneering Study, NTREPRENEURSHIP THEORY and PRACTICE
۲۳. Mason, C., & Brown, R. (2013). Creating good public policy to support high-growth firms. *Small BusinessEconomics*, 40(2), 211–225
۲۴. OECD (2015) New Approaches to SME and Entrepreneurship Financing: Broadening the Range of Instruments, OECD Publishing
۲۵. OECD (2016), Entrepreneurship at a Glance 2016, OECD Publishing, Paris.http://dx.doi.org/10.1787/entrepreneur_aag-2016-
۲۶. Parker SC (2009) The economics of entrepreneurship. Cambridge University Press
۲۷. Peter T. Calcagno Russell S. Sobel, (2014)Regulatory costs on entrepreneurship and establishment employment size, *Small Bus Econ* 42:541–559
۲۸. Qian, H., Acs, Z.J., & Stough, R.R. (2013). Regional systems of entrepreneurship: The nexus of human capital, knowledge and new firm formation. *Journal of Economic Geography*, 13(4), 559–587

۲۹. Sobel, R. (2008), 'Testing baumol: Institutional quality and the productivity of entrepreneurship'. *Journal of Business Venturing* 23(6), 641-655
۳۰. Stam, E. (2015). *Entrepreneurial Ecosystems and Regional Policy : A Sympathetic Critique*. Utrecht School of Economics Tjalling C. Koopmans Research Institute. Discussion Paper, Series 15-07
۳۱. UNCTAD (2005); *Entrepreneurship and economic development*, United Nation, unctad.org
۳۲. UNCTAD. (2012). *Entrepreneurship Policy Framework and Implementation Guidance*. New York and Geneva, , United Nation, unctad.org
۳۳. UNCTAD. (2013). "The UNCTAD Entrepreneurship Policy Framework and its implementation". United Nations Conference on Trade and Development
۳۴. UNECE (2008), "Developing Entrepreneurship In The Unece Region' Country experiences in reducing barriers to enterprise development ,United Nations, New York and Geneva
۳۵. United Nations Conference on Trade and Development or UNCTAD (2014) *Entrepreneurship for development*, United Nation, unctad.org
۳۶. United Nations Conference on Trade and Development or UNCTAD (2015) *Promoting entrepreneurship for development*, United Nation, unctad.org
۳۷. World Economic Forum (2016) "The Global Competitiveness Report 2016–2017 , , . 186-187
۳۸. Worldbank(2016) *Doing Business Report*, www.doingbusiness.org
۳۹. Zoltán J. Ács, Erko Autio, László Szerb(2014) *National Systems of Entrepreneurship: Measurement issues and policy implications*, *Research Policy*, 43 476–494

Effect of entrepreneurship policies on the establishment and development of knowledge-based ICTs businesses

Abstract

Entrepreneurial activities are created by a person's attitude or motivation, skills and psychological characteristics, But entrepreneurial activities do not form in vacuum and are affected by institutional factors, government, business environment and macroeconomic conditions .Therefore, the governments formulate entrepreneurship policies in different sections such as information & Communications technologies or ICT .

The aim of this study is to identify the effect of entrepreneurship policies on the establishment and development of ICTs businesses selected policies include the formulating national entrepreneurship strategy, optimizing the regulatory environment, enhancing entrepreneurship education and skills, development, facilitating technology exchange and innovation, improving access to finance, promoting awareness and networking according to UNCTAD framework. The research was descriptive-correlation. Questionnaire distributed among experts and managers in the Ministry of ICTs and affiliated organizations related to the field of policy making and development of knowledge-based ICTs businesses. Analysis proved 6 hypotheses.

Keywords: *Entrepreneurship Policy, ICTs, Business Establishment and Developme*